

رهیافتی در روش‌شناسی بررسی مسائل فرهنگی

دکتر ابوتراب طالبی

به عنوان مخاطب مورد توجه هستند. هر ادعایی که بتواند چنین اقبال و پذیرشی را به خودش جلب کند تبدیل به یک مسئله می‌شود. این رویکرد یک رویکرد قوی است و امروزه مورد استقبال هم قرار گرفته است. سؤال این است که اگر ما مهندسی فرهنگی را به عنوان راهبردی برای حل مسائل فرهنگی تلقی و سازه‌گرایی را یک روند مثبت ارزیابی کنیم: الزامات در مهندسی فرهنگی چه خواهد بود. ما چگونه می‌توانیم مسائل فرهنگی را با توجه به اینکه اعتقاد داریم مسائل فرهنگی یک امر عینی و فرهنگی است بشناسیم. کنشگران اجتماعی در ساختن مسائل فرهنگی؛ مهم هستند. یکی از راهکارها رجوع به تجربه زیستی خودمان است. خود ما هم به عنوان کنشگر

مسئله فرهنگ مهم است و اهمیت آن در مطالعات فرهنگی و اجتماعی به صورت روز افزون مورد اقبال قرار گرفته است. بحث این است که آیا روش‌شناسی‌های به کار رفته در مسائل و علوم اجتماعی کلاسیک می‌تواند ما را در شناخت مسائل فرهنگی کمک کند. من مهندسی فرهنگی را راهبردی برای حل مسائل فرهنگی می‌دانم. اگر ما رویکرد خاصی در روش‌شناسی در پیش بگیریم الزامات آن در مهندسی فرهنگی چه خواهد بود. فکر می‌کنم اگر مهندسی فرهنگی را به طور ساده راهبردی برای حل مسائل فرهنگی بدانیم می‌تواند به لحاظ منطقی قابل توجه و به لحاظ عملی هم مفید باشد. دلیل هم این است که مسائل فرهنگی یکسری واقعیتها هستند که وجود دارند و همه به آن اذعان دارند. اگر مهندسی فرهنگی را فرایند تحلیل و بررسی راه حل مسائل فرهنگی بدانیم می‌توانیم بحث را ادامه دهیم. با این رویکرد و بر اساس درکی که از مسائل

فرهنگی و روش مطالعه فرهنگ داریم می‌توانیم به این موضوع بی‌بهریم که مهندسی فرهنگی چه مشکلی می‌تواند داشته باشد.

در سنت کلاسیک علوم اجتماعی مسائل فرهنگی در چارچوب مسائل اجتماعی بررسی می‌شده است. در دل مسائل اجتماعی، نوعی از مسائل اجتماعی مثل مسئله تضاد ارزشها دیده می‌شد.

در سنت کلاسیک هفت رویکرد وجود داشته است:
۱- رهیافت آسیب‌شناسی اجتماعی ۲- رهیافت بی‌سازمانی اجتماعی ۳- تضاد ارزشها ۴- کج رفتاری و انحرافات اجتماعی ۵- رویکرد بر چسب زنی ۶- رویکرد انتقادی ۷- سازه‌گرایی. از بین اینها بر دو رویکرد تأکید می‌کنم ۱- رویکرد بر چسب زنی و ۲- سازه‌گرایی، که در مورد برجسب زنی، الزامات مهمی



مختصر

دکتر ابوتراب
طالبی دارای
دکترای جامعه
شناسی با

گرایش جامعه‌شناسی فرهنگی و
عضو هیئت علمی دانشکده علوم
اجتماعی و همچنین مدیر گروه
مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه
طباطبایی می‌باشد.

اجتماعی در ساختن مسائل فرهنگی مهم هستیم و می‌توانیم با رجوع به تجربه زیستی خودمان در شناخت مسائل سهیم باشیم و از تجربه خودمان استفاده کنیم. جهت اتخاذ راهبردها باید به ادبیات عمومی و تخصصی، اجتماعات علمی

و تخصصی، اسناد و مدارک یا گفتمانهای رسمی به مفهوم خاص رجوع کنیم. ارزیابی و تجزیه و تحلیل اجتماعی مسائل، عوامل بیرونی، فردی و درونی از جمله گفتمان‌های مهندسی فرهنگی است. ما باید مهندسی فرهنگی را به عنوان یک گفتمان در نظر بگیریم که در شروع کار است و باید این امکان باشد که در اجتماعات علمی و تخصصی مورد نقد و ارزیابی جدی قرار بگیرد و در همه حوزه‌ها و لایه‌ها؛ دوره‌های تخصصی برگزار شود.

را می‌توانیم ارائه کنیم. مسائل اجتماعی؛ آن بر چسبهای منفی‌ایی هستند که در جامعه نسبت به یکسری از پدیده‌ها وجود دارد. یعنی آن واقعیت؛ مسئله اصلی نیست. مسئله آن برجسبی است که در جامعه نسبت به آن وجود دارد. این

امر در نظریه سازه‌گرایی از دهه ۷۰ رشد کرد که با فرایند عمومی تحولات علوم اجتماعی که واقعیت‌های فرهنگی هستند هماهنگ است.

در نظریه سازه‌گرایی با سه مولفه مواجه هستیم:

۱- مضمون ۲- فرایند ۳- کنشگر. تهاجم فرهنگی، یک فرایند است که در جامعه اتفاق می‌افتد. از بین کنشگرانی که در ساخت مسائل اجتماعی و فرهنگی دخالت دارند دو گروه اهمیت دارند. ۱- ادعاسازان کلیدی که نظرشان مرجعیت دارد ۲- کسانی که